



قطب‌نما

ضمیمه نوجوان

شماره ۱۲۱ ■ ۵ آبان ۱۴۰۱

نوجوان  
ج.م.ج.م



اسما  
آزادگان

قصه صلح‌های تاریخ‌ساز را با هم بخوانیم

# جنگ و صلح

بعضی وقایع درون صفحات کتاب تاریخ گم می‌شود اما اتفاق‌هایی هم وجود دارد که قاب می‌شود به سینه دیوار روگزار؛ بعضی جنگ‌ها و بعضی صلح‌ها!  
امروز و اینجا چهار روایت از تاریخ‌سازترین صلح‌های عالم را برایتان نوشته‌ایم؛ صلح‌هایی که یا سیاسی بوده‌اند، یا ضعف غارتگر را به نمایش گذاشته‌اند، شاید هم بعضی صلح‌ها الکی بوده باشند و صوری؛ یا نمی‌دانم، شاید جنگ‌هایی باشند که از دل یک صلح به وجود بیایند.

## فرقان

کلمه‌ای وجود دارد در عالم واژه‌ها، در تک و توی حرف‌ها و سیلاب واج‌ها؛ واژه‌ای به نام فرقان که کارش تشخیص حق از باطل است. حالا این فرقان را فقط بعضی‌ها دارند، همان‌هایی که در تاریخ ظلم‌های زیادی را دیده‌اند و چشیده‌اند. یکی از صلح‌های بزرگ تاریخ، صلح امام حسن (ع) است. خیلی از تاریخ‌نخوانده‌ها و بدتاریخ‌خوانده‌ها، از موضع ضعف به این صلح عظیم نگاه می‌کنند؛ در حالی که داستان این طور که تعریف می‌کنند؛ نیست. اولین نوه پیامبر مهربانی‌ها (ص)، فرقان را در وجودشان داشتند؛ یعنی می‌دانستند حق کدام طرف است و باطل کدام سمت؛ چه کسی بغض در دلش دارد و چه کسی حب؛ براساس همین دانستن حق و باطل و خوبی و بدی بود که آن صلح‌نامه را امضا کردند. امام حسن علیه‌السلام با مهر تایید بر این صلح، با دیدن شرایط اطراف‌شان و شانه خالی کردن یارهای پوشالی به بهانه سیم و زر، آن‌نامه را مهر و امضا کردند تا در تاریخ بماند که باطل روبه‌روی حق قرار گرفت و حتی بعد از چند صد سال، مردم حق را بفهمند و دریابند؛ هنوز هم که هنوز است، حق همان است!



## کارخانه هیتلر سازی

قصه پرغصه جنگ جهانی اول با پیمان ورسای در سال ۱۹۱۹ و ۱۹۲۰ به آتش بس و صلح ختم شد. اما هیچ‌کس فکر نمی‌کرد که این بزرگ‌ترین معاهده صلح‌آمیز، با تحقیر آلمانی‌ها و شعله‌ور کردن آتش خشم‌شان، از کسی که رگه‌هایی از هنر در وجودش ریشه دوانده بود، هیتلر بسازد! ماجرا از این قرار بود که بعد از تمام شدن جنگ، طرف‌های خسارت‌دیده دورهم جمع شدند تا از شکایت‌ها و منابع از دست‌رفته‌شان بگویند، حدوداً ۱۵۰۰ جلسه با تعداد زیادی حقوقدان تشکیل شد و دست آخر تمام بار و گناه جنگ جهانی اول، به آلمان نسبت داده شد. در این معاهده که در کاخ ورسای فرانسه تنظیم شد، چند تا شهر از کشور آلمان به مالکیت فرانسه و بریتانیا درآمد و بهانه‌ای خوب و پر قدرت به هیتلر و افراط‌گرایان آلمانی داد که بعدها راحت‌تر غارت کنند، بگشند و عین خیال‌شان هم نباشد.



## عملیات ۸ ساله

در تاریخ پرفراز و نشیب کشورمان نوشته‌اند که یک فرد خوش خیال، می‌خواسته یک هفته‌ای مرزهای جنوبی وطن‌مان را تار و مار کند و تانک به تانک و میگ به میگ، به تهران، پایتخت‌مان برسد! البته مورخان یادشان رفته در تکمیل این گزارش نویسند زهی خیال باطل! اما فکر نکنید که این تصمیم عملی شد یا منتفی گردید یا در صفحات تاریخ گم شد! فقط کمی در محاسبات‌شان اشتباه کرده بودند و نه تنها یک هفته‌ای، بلکه هشت سال در خیال همین آرزوی‌شان صبح‌ها را شب کردند و شب‌ها را با توپ و خمپاره، روز! از آنجایی هم که هشت سال، عمر کمی نیست؛ کم‌کم خسته شدند و پارچه‌ای سفید به چوب زدند و بالا آوردند. ما ایرانی‌ها هم که آدم‌هایی دل‌رحم هستیم، پرچم‌شان را پذیرفتیم و فریاد آتش بس‌شان را شنیدیم و برای این‌که در تاریخ ثبت کنیم که ما شروع‌کننده جنگ نبودیم و اتفاقاً پاپس نکشیدیم و جان و خون دادیم تا ایران‌مان بماند؛ قطعنامه‌ای با شماره ۵۹۸ را امضا کردیم و در مردادماه سال ۱۳۶۷ کم‌کم جبهه‌های جنوبی را ترک کردیم و یعنی‌ها را هم به خانه‌هایشان فرستادیم. این بود انشایی که از نوشتن‌اش ۳۴ سال می‌گذرد و آثارش هنوز تمام نشده.

## گِگ‌نامه

نامه را این‌طور شروع کرده بودند: «بسم الله الرحمن الرحيم، لا اله الا الله، محمد رسول الله... به نام ملت فرانسه که شالوده خود را بر آزادی و مساوات نهاده است...» نمی‌توانم تصور کنم مردم قاهره وقتی این نامه را می‌خواندند قیافه‌شان چه شکلی شده بود. بعضی‌هایشان شاید پوزخندی زده و رد شده بودند؛ «ناپلئون و نام خدا و شهادت به حقانیت پیامبر؟! زهی خیال باطل!» اما بعضی‌ها هم شاید باورشان شده بود که ناپلئون، دشمن دیروز، حالا دلسوز و همراه و همدل شده است! اما خب نقل این چیزها نبود. ناپلئون قصد داشت با همین یک نامه، جنگ شروع نشده‌ای را ببرد! وقتی او و لشکریانش بعد از مصر راهی قاهره شدند، بی‌چک و چانه و با کمترین هزینه از مرزها رد شدند و ناپلئونی که تا یک ساعت قبل، همان پادشاه عادل و آزادمردی بود که پرچم سفید بالا گرفته بود و دست دوستی دراز کرده بود سمت مردم قاهره، حالا تبدیل به گفتاری شده بود که می‌خواست در وطن‌شان جولان بدهد و چپاولگری کند.



الحاقیه صادره شرکت آتی‌ساز مربوط به خرید پارکینگ شماره ۳۴۶۰ ملحق شده به واحد ۳۲۵۴ مجتمع آتی‌ساز ۲ (شاهین دژ) مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

گواهینامه موقت پایان تحصیلات اینجانب سید ابراهیم میرزاده گودرزی فرزند میرعلی به شماره ملی ۲۰۶۱۰۲۰۹۳۹ صادره از بابل در مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته رشته مهندسی عمران-سازه صادره از واحد دانشگاهی آزاد اسلامی بندرانزلی با شماره ۱۷/۱۴/۱۰۷۷۰ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از بابت تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرانزلی به نشانی: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرانزلی ارسال نماید.

آلایین بخوانید، آلایین دیده‌شوید  
ج.م.ج.م  
جدیدترین اخبار ایران و جهان در جام آتلایین  
ورزشی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حوادث  
jamejamdaily.ir  
jamejamonline.ir  
Instagram.com/jamejam.news  
https://t.me/jamejamDaily  
https://rubika.ir/jamejamDaily  
http://twitter.com/jamejamCPI

